

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"
دوم اکتوبر ۲۰۱۳

لست گمشدگان

انتشار تکانه‌دهنده اسمای پنج هزار انسان که در دوران زمامداری غیر انسانی خلق و پرچم، قربانی هوا و هوس نوبدولت رسیدگان و طنفروش گردیده اند، مو بر اندام راست میسازد. این پنج هزار انسان، غالباً استادان، دانشمندان، محصلان، کارمندان، سرمایه های معنوی مملکت و یا پدران نان آورو فرزندان جوان خانواده هائی بوده اند که چشم امید همه، به بازوهای توانای شان دوخته بود. ما خود در جریان روز و نیمه شبها شاهد فجایع دستگاه حاکم، بنام تلاشی و کنترل منازل، از گماشتگان اگسا و یا خاد بودیم و میدیدیم و در همسایگی خود میشنیدیم که تعدادی از اعضای جوان و پیر خانواده ها را در برابر فریاد و فغان و ضجه و ناله دیگر اعضاء، با خود میبردند و دیگر سراغی از آنها بدست نمی آمد. هیچ خانواده در هیچ قومی از اقوام شریف در سراسر افغانستان سراغ نمیشود که گمشده ای از آن دوران و داغی از آن گرگان وحشی، بر دل نداشته باشد. مشاهده گورهای جمعی حاصل حکمرانی منحوس خلق و پرچم که متأسفانه به ادامه آن فجایع یخن دریده های تنظیمی نیز تعداد کثیری از شهریان بی گناه کابل عزیز را سر به نیست گردانیده اند، در خور توجه خود ما و جوامع بین المللی میباشد. شعری دارم که چند سال پیش به همین مناسبت سروده شده است و اینک با تجدید نظر و تزئید ابیاتی چند، به داغدیده های این فاجعه پیشکش میشود:

امشب دل افسرده را در سینه گریان یافتم در نغمه های خفته اش، سوز نمایان یافتم
آن دل که آزارش نبود، کاری به هر کارش نبود جز عشق سرشارش نبود، اکنون پریشان یافتم

پرسیدمش از درد او، از آه گـرم و سرد او
 گفتا که این درد و مـحن، درد عظیم است و کهن
 جمعیت پست و خرف، بهر غلامی بسته صف
 میسخت دل زاری کنان، میگفت با اشک روان
 آنجا که باغ و راغ بود، چشم و چراغ باغ بود
 در روستای روشنان، رفتـم سراغ دوستان
 رفتم به هر سو در طلب، با عالم عجز و ادب
 هر سو به شور و سوز و آه، پیمودم از اندیشه راه
 بینی به هر سو کشته ها، از کشته ها صد پشته ها
 در جست و جوی سالکان، در عاشقان و عارفان
 در لانه آزادگان، از فتنه همسایگان
 جمعیت نوکـر صفت، پست و ذلیل از هر جهت
 بزم ستم اندود را، جـزم زیان و سود را
 در رنگ و روی زرد او، درد فراوان یافتم
 درد شهیدان وطن، کـز جور دوران یافتم
 بفروخته نام و شرف، جویان و پویان یافتم
 کان خطه جنت نشان یکباره ویران یافتم
 در سینه گل داغ بود، خاموش و ویران یافتم
 نی دوستان، نی بوستان، نی آن گلستان یافتم
 نی آن شبستان طـرب، نی آن دبستان یافتم
 هر جا که بگشودم نگاه، گور شهیدان یافتم
 در کشته ها، پا و سر پیر و جوانان یافتم
 چون آب بر هر سو روان، نی این و نی آن یافتم
 نقش قـدوم بردگان، زنجیر و زندان یافتم
 دارد مقام و منزلت، با شوکت و شان یافتم
 اجرام پشم آلود را، هر سو به جولان یافتم

آنانکه در کشور "اسیر" بدخصلت اند و بدضمیر

پستند و منفور و حقیر، همدست شیطان یافتم

(م. نسیم « اسیر » - بن المان، ۲۹ می ۱۹۹۷م)